

A Documentary Survey of the Arts and Crafts of Golpayegan

Milad Ranjbar¹ , Seyyed Hassan Qoreishi Karain²

1. Milad Ranjbar, PhD Candidate in History, Mahallat Branch, Islamic Azad University, Iran. (corresponding Author).
ranjbarmilad524@yahoo.com
1. Associate Professor, Payame Noor University, Tehran, Iran. shquorishi@pnu.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 31 July 2025

Received from revised: 8 December 2026

Accepted: 25 July 2026

Available online: 1 September 2026

Keywords:

Golpayegan,
handicrafts,
wood carving,
carpet weaving,
khatam inlay,
artisans.

Introduction

The development of handicraft production in each city is shaped by its geographical conditions and the productive capacities of its local environment, often giving rise to one or more distinctive forms of craft. During the Qajar period, agriculture constituted the principal economic base of Golpayegan, while handicraft production formed an important component of the city's local economy. Over time, however, the emergence of difficulties in the agricultural sector contributed to a shift in the city's economic activities. During the Pahlavi period, three major handicraft industries—wood carving, khatam inlay, and carpet weaving—expanded in Golpayegan and gradually underwent a process of development and advancement. Particularly during the 1340s and 1350s, these three crafts gained a distinct position in Golpayegan and established a recognized reputation at the national level. The relevant governmental and institutional bodies likewise introduced measures aimed at promoting and further developing these crafts.

Materials and Research methodology

This study is based on archival documents preserved in the National Archives of Iran. Some of these documents had previously been transcribed and published in the volume *Handicrafts of Isfahan Province through Documentary Evidence (1250–1357)*. Other documents are newly examined archival materials obtained by the authors from the National Archives of Iran. The findings shed light on the state of handicraft production in Golpayegan during the Pahlavi period. By bringing these documentary sources together and examining them in conjunction, the authors reconstruct a comprehensive picture of the development, organization, and status of handicraft production in the city.

Findings

The findings demonstrate that the arts and crafts of Golpayegan underwent significant development during the reign of Mohammad Reza Pahlavi. Relevant government agencies and institutions also undertook measures to promote and expand handicraft produc-

Ranjbar, M. (2026). ite this article: Ranjbar, M. (2025). A Documentary Survey of the Arts and Crafts of Golpayegan, 4(2), 95-108. *Journal of Documentary and Archival Studies*.



© The Author(s) retain the copyright.

Publisher: The Organization of Libraries, Museums and Documents Center of Astan-e Quds Razavi.

DOI: <https://doi.org/10.30481/psa.2026.558637.1105>

tion. The documentary evidence further provides valuable information on the artists, craftspeople, and practitioners engaged in these traditional industries.

Discussion and Conclusion

During the Pahlavi period, the three major crafts of wood carving, khatam inlay, and carpet weaving underwent significant development in Golpayegan, strengthening their presence in national and international markets and contributing to changes in the competitive landscape of traditional craft production. Government policies also played a role in this process, including the introduction of the “Plan for the Improvement and Development of Handicraft Production.” The following year, the Golpayegan Woodcarvers’ Cooperative was established. This initiative was followed by the establishment of a vocational training school and government support for the private sector in establishing a carpet company in Golpayegan. Meanwhile, the relevant institutions organized a series of exhibitions aimed at promoting and expanding Golpayegan’s traditional crafts. Taken together, these governmental policies and institutional initiatives contributed to the consolidation and expansion of the city’s three principal crafts during the Second Pahlavi period.



سیری در هنرها و صنایع گلپایگان بر مبنای اسناد

میلاد رنجبر^۱، سید حسن قریشی کرین^۲

۱. دانشجوی دکترای تاریخ ایران دوره اسلامی. دانشگاه آزاد محلات. ایران (نویسنده مسئول). ranjbarmilad524@yahoo.com

۲. دانشیار. گروه تاریخ. دانشگاه پیام نور، ایران، تهران.

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخچه مقاله:

دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۱۸

بازنگری: ۱۴۰۵/۰۴/۲۷

پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۰۵

انتشار: ۱۴۰۵/۰۶/۳۱

کلیدواژه‌ها:

گلپایگان،

صنایع دستی،

منبت کاری، خاتم سازی،

فرش بافی.

شهر گلپایگان یکی از شهرهای مهم فرهنگی-تاریخی ایران است، چنانکه شخصیت‌های فرهنگی و علمی که از این شهر برخاسته و نامدار شده‌اند، دلیل این سخن است. در این مقاله با مراجعه به اسناد، تصویری از این شهر و صنایع دستی آن ارائه خواهد شد. در ابتدا مروری اسنادی بر تاریخ معاصر گلپایگان داشته و سپس کاوش می‌شود که در این شهر چندین صنعت از جمله منبت کاری، خاتم سازی و فرش بافی رشد کرده و حتی در زمینه منبت کاری در استان اصفهان سرآمد شده است. از خلال اسناد اقدامات و سیاست‌های دولتی در این رابطه پیگیری می‌شود. در نهایت معلوم می‌شود که دولت پهلوی با وجود تلاش‌هایی که در بازاریابی این صنایع می‌نمود، در زمینه آموزش و برپایی نمایشگاه چندان توجهی نشان نمی‌داد. به همین دلیل، صنایع دستی گلپایگان به‌ویژه منبت، با مشکلاتی مواجه گردید.



مقدمه

هرکدام از شهرها بنا به موقعیت جغرافیایی و دسترسی به مواد اولیه، همچنین روحیه و مهارت‌های مردم آنجا، در یک یا چند صنعت از صنایع دستی رشد کرده و نام‌آور شده‌اند. شهر گلپایگان هم در چند صنعت از جمله منبت‌کاری، خاتم‌سازی و فرش‌داری امتیازات و شهرتی در صنایع دستی ایران گردید. در مقاله حاضر کوشش می‌شود از خلال اسناد، نشان داده شود در دوره پهلوی، این صنایع چه جایگاهی در اقتصاد شهر داشته و بازیگران از جمله هنرمندان، دولت و بخش خصوصی در این میان چه نقشی ایفا می‌کردند. از آنجاکه اساس تحقیق حاضر بر «اسناد» است، می‌توان گفت داده‌های این تحقیق ممکن است جامع و حاوی روایت کامل موضوع نباشد، اما همین اسناد اطلاعات موثقی ارائه می‌دهند. بی‌گمان درک بهتر تجربیات گذشته، در بازسازی و بهسازی مسیر اکنون می‌تواند یاری‌دهنده باشد.

پیشینه پژوهش

از مهم‌ترین آثار در زمینه صنایع دستی ایران، کتاب، اثر ویلم فلور (۱۳۹۳) است. این پژوهشگر هلندی تاریخ اجتماعی ایران، به هشت حوزه مختلف از صنایع کهن ایران از جمله سرامیک‌سازی، شیشه‌گری، فلز، کاغذ، چرم و شکر پرداخته است. او بر اساس اسناد، فراز و فرود این صنایع را در دوره قاجار بررسی و نشان می‌دهد سیاست‌های دولتی برای مقابله با نفوذ اقتصادی خارجی و فشار زیادی که بر صنعت داخلی وارد می‌آمد، چه بوده و ورود فناوری‌های جدید چه تأثیری بر کیفیت و کمیت صنعتگران داخلی داشته است. پژوهشگر آلمانی هانس وولف (۱۳۷۲) که مدتی طولانی در ایران اقامت داشته، تحقیق جامعی درباره صنایع دستی ایران انجام داد و آن نامید. این کتاب صنایع فلزی، صنایع چوبی، صنایع ساختمانی، صنایع چرم‌سازی، صنعت کشاورزی را در ایران از روزگار باستان تا دوره پهلوی بررسی کرده و سیر تحولات آن را شرح داده است. همچنین با تصاویر و طرح‌هایی توانسته است داده‌ها را بهتر به خواننده منتقل نماید.

سمیه بختیاری (۱۴۰۳) با جمع‌آوری، طبقه‌بندی و تحقیق بر روی اسناد برجای مانده در سازمان اسناد ملی، مجلس شورای اسلامی و اسناد وزارت خارجه موفق به انتشار کتابی به نام گردید. این کتاب به بازنویسی حدود هشتصد سند در این رابطه پرداخته و تا حدود زیادی راه را برای پژوهشگرانی که قصد دارند موضوع صنایع دستی را از دریچه اسناد بررسی نمایند، آسان می‌کند. در مقاله حاضر از این کتاب بهره زیادی برده شده است. شایان توجه است که اسنادی از سازمان اسناد ملی درباره مکاتبات اداره کل هنرهای زیبای کشور با اداره فرهنگ گلپایگان این پژوهش را متمایز می‌نماید. کتاب تاریخ سیاسی و اجتماعی گلپایگان (از سقوط صفویه تا پایان قاجاریه) اثر نگارنده (۱۴۰۱) نیز بر اساس اسناد و تألیفات، تصویر روشنی از تاریخ معاصر گلپایگان را ارائه داده است. البته موضوع اقتصاد و صنایع دستی در این اثر کمتر مورد توجه بوده است.

روش پژوهش

روش انجام پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی است و گردآوری داده‌های آن بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی، به‌ویژه با تکیه بر اسناد مکتوب و پرونده‌های آرشیوی نگهداری شده در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران صورت پذیرفته است.

گذری بر پیشینه گلپایگان

شهر گلپایگان دارای پیشینه‌ای تاریخی و پرافتخار است. مسجد جامع گلپایگان که تاریخ ساخت آن به دوره سلجوقیان بازمی‌گردد و تاریخ یکی از کتیبه‌های آن که ۵۰۸ ق را نشان می‌دهد، همچنین منار زیبای سلجوقی این شهر که

اوج هنر تزیینات آجری است، همگی شناسنامه قدمت آن محسوب می‌شوند. گذری بر منابع مکتوب آشکار می‌سازد، در میان سفرنامه‌های قاجاری چهار سیاح یا مسافر گذرشان به شهر گلپایگان افتاده و مطالب ارزنده‌ای درباره‌ی این شهر نوشته‌اند. مسیو چریکف روسی که در دوره‌ی محمدشاه به ایران آمد، معتقد است «ساکنین گلپایگان از پنج هزار الی شش هزار نفر می‌باشند. وسعت شهر به واسطه باغات اطراف شهر به نظر خیلی می‌آید، ساخت و بنای عجیب و غریب در گلپایگان نمی‌باشد، جز یک مناره‌ای که از قدیم مانده است و چندین مسجد و یک مدرسه و یک بازار که از ابنیه قدیم است.» (چریکف، ۱۳۵۷: ۲۴) این سیاح روسی از صنایع فولادسازی و تفنگ‌سازی منطقه سخن گفته است که نشان می‌دهد قبل از صنایع چوبی، مردم منطقه با صنایع فلزی آشنایی داشته‌اند.

لیدی شیل در اوایل دوره‌ی حکمرانی ناصرالدین‌شاه به گلپایگان وارد شد. او بر ظرفیت‌های کشاورزی منطقه گلپایگان اشاره و دیدن مزارع گندم در اطراف شهر او را شگفت‌زده کرد، اما متأسف است که چرا به دلیل فقدان وسایل حمل و نقل، این تولیدان در عرصه «توزیع» گردش نمی‌کنند. «برای رساندن محصول غله به بازارهای دوردست آن قدر گران تمام می‌شود که اصلاً مقرون به صرفه نیست و من گاهی با خود می‌اندیشم که اگر در ایران به جای راه‌های مال رو موجود، جاده و یا راه‌آهن احداث می‌شد، واقعاً مملکت چه چهره متفاوتی پیدا می‌کرد و چگونه راه ترقی را پیش می‌گرفت.» (شیل، ۱۳۶۸: ۱۸۶) بروگش، اهل پروس آلمان بود که در اواسط دوره‌ی ناصرالدین‌شاه به ایران آمد (۱۲۷۳ق). او تصاویری از شهر گلپایگان ارائه می‌دهد که ویرانه و خراب می‌باشد: «گلپایگان برخلاف آنکه از دور، شهر بزرگ و آبادی به نظر می‌رسید، ولی از نزدیک منظره‌ای غم‌انگیز داشت، خانه‌ها و ساختمان‌های آن گلی و اکثر آن‌ها خراب و یا در حال فرو ریختن بود. تمام شهر را گردوغبار تیره‌ای فراگرفته بود و یک ورقه خاک نرم روی در و دیوار ساختمان‌ها و حتی تنه و شاخه‌های درختان وجود داشت.» (بروگش، ۱۳۶۷: ۲۴۵)

شهری که او بن در اوایل مشروطیت شاهد آن بوده، شهری است که دوازده تا پانزده هزار نفر جمعیت دارد و البته سیر نزولی را طی می‌کند و آثار خرابی در جای جای شهر نمودار است: «گلپایگان در حدود دوازده تا پانزده هزار نفر جمعیت دارد. منظره شهر ملال‌انگیز و ویران است: خرابه‌های قلعه‌ی شهر، گنبد مسجد جامع، منار تک نزدیک بازار، امامزاده هفده‌تن، از اعقاب امام موسی، از وسط دیوارهای فرو ریخته و تل خاک‌ها، سر درآورده بودند. می‌گفتند دو سال پیش نیز بیماری وبا به جان مردم افتاده و جمعیت گلپایگان را درو کرده بود.» (اوژن اوبن، ۱۳۶۲: ۳۲۳)

منابع بالا کمتر به حوادث سیاسی-اجتماعی پس از وقوع انقلاب مشروطیت پرداخته‌اند. اسناد نشان می‌دهند وقوع انقلاب مشروطیت نور امید برای آبادی و سازندگی در دل‌ها ایجاد کرد، اما آشفتگی‌های سیاسی و عدم ثبات مدیریتی پس از آن، باعث سر برآوردن دزدان و راهزنانی شد که هر یک با جمع‌آوری عده‌ای تفنگچی و سواره، دسته‌ای ترتیب داده و به غارت منطقه مشغول شدند. تصویری از منطقه در این زمان نشان می‌دهد «چند بار شهر گلپایگان از طرف توابع نایب حسین کاشی و همچنین دو نفر راهزن به نام‌های علی‌قلی و رجب‌علی زلفی غارت شد و هر بار ضمن غارت اموال مردم و تخریب قنات‌ها و تأسیسات، تعدادی از مردم هم به قتل رسیدند. حدود ده سال شهر گلپایگان و اطراف مورد تاخت و تاز این دسته‌های راهزن قرار داشت و هر بار به تحریک شخص ذی‌نفوذی، یکی از این دسته‌ها قدرت گرفته و جان و مال مردم را مورد تهدید قرار می‌دادند.» (کثیری، ۱۳۹۰: ۲۵) در این راستا، یک نمونه گزارشی است که رئیس اداره مالیات گلپایگان در تاریخ ۱۸ برج دلو ۱۲۹۶ خورشیدی به وزارت مالیه نوشت بدین شرح که «اشرار و الواری که حدود گلپایگان و قصبه خوانسار را اشغال نموده‌اند، کماکان باقی و در محل خود مقیم هستند. فقط نتیجه‌ای که به دست آمده تحصیل دار خوانسار و روسای دوایر دولتی که محبوس اشرار یاغی بودند، پس از غارت اثاثیه و غیره توسط اشرار به حالت مخصوصی مستخلص، فعلاً به گلپایگان وارد شدند.» (ساکما ۱۳۴۰/۲۴۰) همین تصویر کوچک که مربوط به سال‌های پایانی جنگ جهانی اول است، نشان می‌دهد چقدر اوضاع منطقه مغشوش بوده است که اشرار می‌توانستند چندین روز شهر را اشغال نموده و روسای ادارات آن را به حالت گروگان بگیرند و به غارت ادارات دولتی بپردازند. بسیار آشکار است که در این

شرایط هرگز نمی‌توان انتظار داشت که هنرها و صنایع بومی در مسیر رشد و ترقی باشند.

گلپایگان در دوره پهلوی

گلپایگان در دوره رضاشاه، همانند باقی خاک ایران، از اشرار و اغتشاش‌های یافت. ثبات و امنیتی پیدا کرد و کشاورزی منطقه دوباره احیا شد، اما در این زمان گلپایگان از نظر تقسیمات کشوری، در میان دو استان خوزستان و اصفهان سرگردان بود. در ۱۳۱۶ش، کل کشور به ده استان تقسیم شد و در این تقسیم‌بندی استان اصفهان در کنار شهر یزد و چهارمحال استان دهم نامیده شد. در این تقسیم‌بندی، شهرستان گلپایگان جزو استان شش یعنی خوزستان و لرستان گردید. به همین دلیل، در اوایل دهه ۱۳۳۰ش که کتاب ایران نوشته می‌شد، این شهرستان در جلد ششم آمد. در همین کتاب جمعیت شهر گلپایگان به اضافه ۹ آبادی نزدیک بالغ بر ۲۲ هزار نفر برآورد شده است. (فرهنگ جغرافیایی ایران، ۱۳۳۰: ۳۱۷/۶) الحاق شهرستان گلپایگان به استان اصفهان در ۱۳۴۰ش اتفاق افتاد. در آمده است در تاریخ ۱۳۴۰/۱۱/۱۷ بر اساس تصویب نامه هیأت دولت شهرستان گلپایگان از استان ششم جدا شده و جزئی از استان اصفهان گردید. (سرگذشت تقسیمات کشوری، ۱۳۸۸: ۳۳۵/۱) بعد از آن، سرنوشت این شهرستان با استان اصفهان آمیخته شد.

تصویر گلپایگان از خلال یک سند در دوره رضاشاه

تا قبل از تقسیمات کشوری، شهرهای گلپایگان، خوانسار و کمره را ولایات ثلاث می‌گفتند. در ۱۳۰۸ش، وزارت مالیه طی یک متحدالمال (بخشنامه) از ادارات مالیه سراسر کشور درخواست کرد وضعیت منطقه خود را تشریح نمایند. رئیس مالیه ولایت ثلاث، مورخه ۱۳۰۸/۱۰/۱۴ در پاسخ به بخشنامه بالاگزارش مفصلی از منطقه را به «اداره تفتیشیه کل مملکتی» ارائه داد. در این گزارش مفصل ابعاد گوناگون منطقه ثلاث و وضعیت و روحیه مردم آنجا تشریح و نیز ذکر منطقه که بیشتر زیر کشت تریاک می‌رود، با کم‌آبی مواجه است. او دو راه حل احداث قنات و احداث سد را در این رابطه ارائه می‌دهد. جالب است که سد مذکور چند دهه بعد احداث شد و اکنون تا شهر قم نیز از آب آن مشروب می‌شود. گفتنی است این گزارش به خوانسار و کمره نیز پرداخته است.

در این گزارش که در سازمان اسناد و کتابخانه ملی قابل دسترسی است، در قسمت گلپایگان می‌خوانیم: «اهالی گلپایگان که مقر و مرکز دوایر دولتی است، آنچه استنباط و مشاهده می‌شود، مردمانش قانع و کم ذوق، بردبار، تنبل، قناعت‌پیشه و در میانشان اشخاص متمول و سائس کمتر یافت می‌شود. حس زیاد طلبی آن‌ها کمتر از سایر نقاط است که فدوی مأموریت داشته‌ام. و اقتصادشان بیشتر زراعت و تجارت عمده‌اش تریاک است. کلیه ولایات ثلاث بیشتر از یکصد خروار تریاک محصول دارد که اعاشه عموم اهالی تقریباً از این ممر است. متأسفانه به واسطه کم‌آبی صادرات قابل ملاحظه‌ای جز این ندارند. موقعیت اراضی، استعداد زمین و خوبی هوا نسبتاً طوری است که هرگاه یکی دو رشته قنات احداث شود، این شهر خراب که بالمکاشفه ده بزرگ ویرانی است، به قدری آباد و خوب حاصلخیز می‌شود که کمتر شهری در ایران می‌تواند با او برابری نماید. به عقیده مطلعین اهالی چنان چه سدی جلو دربند معروف به دره دراز بسته شود، (ده مزبوره در سه فرسخی گلپایگان واقع است) از احداث قنات مستغنی و فاضل آب آن ممکن است تا قم هم مشروب نماید. گر چه بستن سد زیاده از دویست هزار تومان یا کمتر مخارج خواهد داشت، اما ترقی فوق‌العاده و زراعت کامل و منافع غیرقابل تصویری به مردم و دولت عاید خواهد گردید. افسوس که اهالی به واسطه فقر و پریشانی یا سبک رویه سابق‌الذکر هرگز به انجام این مقصود جز به مساعدت و تقویت و کفالت دولت متبوعه نایل نخواهند شد، زیرا که وسایل زندگانی و حفظ‌الصحه به هیچ‌وجه فراهم نیست. حکومت جلیله و روسای مقیم ادارات و دوایر مربوطه مرکزی ثلاث به ادای وظیفه مشغول، برخلاف مقررات و قوانین جاریه تا امروز مشاهداتی به نظر نیاورده. وضعیات صحی این شهر خوب

نیست. تقویت در تأسیس بلدیه و تعمیر آبادی محل نهایت درجه ضرورت دارد.» (ساکما، ۲۴۰/۱۷۰۶۳)

این گزارش نشان می‌دهد در آن زمان صنایع دستی خاصی در شهر گلپایگان شیوع نداشته است، به حدی که معیشت بخش بزرگی از مردم را تحت تأثیر قرار دهد، چراکه حتماً در گزارش به آن اشاره می‌شد، همان‌طور که به موضوع کشاورزی آنجا و معضلات آن از جمله قنات، اشاره گردیده است.

هنرها و صنایع در گلپایگان

با وجود گزارش مذکور، در دوره‌های بعد سه صنعت منبت‌کاری، خاتم‌سازی و فرش‌بافی در گلپایگان رشد نمود و اندک‌اندک مراحل ترقی خود را طی کردند. مطالعه اسناد برجای مانده مسیر رشد و تکامل این صنایع را نشان می‌دهد. به‌ویژه در دهه‌ی چهل و پنجاه این سه صنعت در گلپایگان جایگاه واقعی خویش را یافته و صاحب «برند» یا نشان اعتبار در کل کشور گردیدند.

منبت‌کاری یکی از هنرهای دستی ایرانی است که در بخش صنایع قرار می‌گیرد. منبت‌کاری نوعی کنده‌کاری و حکاکی روی چوب است که به‌منظور زیباسازی بر روی چوب انجام می‌شود. طرح‌های منبت‌کاری تنوع زیادی دارد و تمام این طرح‌ها از هنر اصیل ایران الهام گرفته شده است. منبت‌کار با استفاده از خلاقیت و دستان هنرمند خود می‌تواند طرح‌های برجسته را بر روی چوب به وجود آورد. برجستگی، یک عنصر مهم در منبت‌کاری و به‌خوبی قابل مشاهده است. برجستگی‌های اشیا در منبت‌کاری بر روی چوب نیز برجسته و برآمده از چوب به نظر خواهد رسید. ابزار منبت‌کاری که اصلی‌ترین آن چکش است، برای خلق این طرح‌ها و نقوش برجسته مورد استفاده قرار می‌گیرد. یکی از اصلی‌ترین ابزارهای مورد استفاده برای کنده‌کاری روی چوب، مغار منبت‌کاری است. با این مغار صنعتگر شیارها و گودی‌هایی در چوب ایجاد می‌کند. ساخت مبلمان سلطنتی یکی از مشهودترین دستاوردهای این صنعت است. انواع جعبه‌های منبت و نیز هر نوع قابی که با چوب کنده‌کاری شده باشد از دیگر جلوه‌های هنر منبت است.

در پاسخ به این سؤال که چرا منبت‌کاری در گلپایگان اولین و مهم‌ترین صنعت می‌باشد، گفته شده است: «در گلپایگان به علت وجود درختان سپیدار و صنوبر - که این شهر را به نام شهر سپیدار مشهور کرده است - و نیز نزدیکی به خوانسار و روستایی که درختان گردو و گلابی فراوان در آنجا یافت می‌شود، پیشه‌نجاری و منبت‌کاری از حرف عام و معمول مردم شهر بوده است. پیشه‌وران این حرفه گروهی به نجاری و گروهی دیگر از ترکیب هر دو هنر به منبت‌کاری توأم با درودگری می‌پرداختند. کارهای منبت گلپایگان توسط مردم خوانسار، که مردمی تجارت‌پیشه بوده‌اند، خریداری و به شهرهای دیگر انتقال می‌یافت.» (سرمدی، ۱۳۷۱: ۲۸)

بی‌گمان وجود چوب‌های مناسب مانند گردو و گلابی که مختص این صنعت هستند، مردم و صنعتگران آنجا را به سمت این هنر سوق داده باشد. درباره‌ی آغاز شکوفایی این صنعت در این شهر آمده است: «در دوره پهلوی منبت‌کاری گلپایگان در ایران رقیبی نداشت. بهترین فراورده‌های این صنعت در این شهر تولید و به سراسر کشور به‌ویژه تهران ارسال می‌شد. به نظر می‌رسد این صنعت در اوایل دوره صفوی در این شهر رواج یافته باشد.» (بختیاری، ۱۴۰۳: ۲۸۲)

با این حال، وضعیت کارگاه‌ها و کمیت و کیفیت افرادی که در این صنعت اشتغال داشتند در ۱۳۵۱ ش چگونه بود؟ بر اساس یک سند «در سال ۱۳۵۱ در این شهر ۹ کارگاه منبت‌کاری وجود داشت که ۱۲ استادکار و یک کارگر در این کارگاه‌ها کار می‌کردند.» (ساکما، ۲۹۳/۸۰۸۶۹)

در ادامه این پایش مربوط به ۱۳۵۱ ش به نکات بیشتری درباره‌ی صنعتگران منبت در شهر گلپایگان دست می‌یابیم. این‌که بیشتر صنعتگران مشغول در هنر منبت‌کاری سواد چندانی نداشتند و متوسط سن آن‌ها ۴۲ سال بود. همچنین «درآمد متوسط روزانه یک استادکار ۳۳۰ ریال و درآمد تنها کارگر این صنعت در گلپایگان ۱۳۰ ریال بود.» (همان) در

ادامه داده‌های در زمینه کیفیت صنعتگران منبت در گلپایگان، بختیاری، پژوهشگر صنایع دستی درباره منبت کاری گلپایگان آورده است: «در دیگر نقاط استان اصفهان تنها دو صنعت منبت کاری گلپایگان و سفالگری شهرضا دارای نیروی شاغل تا اندازه ای جوان، درآمد مناسب و بازار فروش خوبی بودند. درحالی که دیگر صنایع دستی موجود در سایر نقاط استان، نیروی شاغل مسن با درآمد کم داشتند. کهنوت نیروی انسانی شاغل، نبود بازار مصرف برای فراورده‌های تولیدی صنعتگران و پایین بودن سطح دستمزد از جمله عوامل مؤثر در نابودی بعضی از صنایع دستی در طول تاریخ و البته در دوره پهلوی بود.» (همان)

نکته اساسی دیگر، مواد اولیه کنده کاری روی چوب و ایجاد نقش های برجسته روی آن است. گردو، گلابی، سپیدار، صنوبر، فوفل، انار سرخ، انار زرد و افرا از جمله چوب هایی است که برای منبت کاری مناسب است. البته صنعتگران گلپایگانی بیشتر از چوب گردو و گلابی استفاده می کردند یا روی محصولات چوبی کار می کردند که از ارومیه جهت منبت کاری به گلپایگان ارسال می شد و پس از تکمیل به ارومیه برمی گردانند. (همان)

طرح بهبود و توسعه تولید صنایع دستی

در ۱۳۴۹ ش طرح بهبود و توسعه تولید محصولات نازک کاری چوب گلپایگان به منظور حمایت از صنعتگران منبت کاری و بهبود کیفی از طریق راهنمایی های فنی و تهیه و ساخت محصولات جدید و افزایش میزان خرید و سفارشات ویژه به مرکز صنایع دستی وزارت اقتصاد کشور ارائه شد. (گزارش دولتی طرح بهبود و افزایش تولید صنایع دستی ایران، ۱۳۵۰: ۱۳۵، به نقل از بختیاری، ۱۴۰۳: ۲۸۰) در همین سال، سرپرست اداره صنایع دستی استان اصفهان در نامه ای به استاندار اصفهان تذکر داد که به دلیل عدم امکانات آموزش منبت کاری و محدود بودن افراد صنعتگر، هنر منبت کاری به زودی در گلپایگان از بین خواهد رفت. او از استانداری درخواست کرد که تخصیص اعتبار برای طرح احداث کارگاه و نمایشگاه مجتمع آموزش گلپایگان را از طریق دفتر برنامه و بودجه پیگیری نماید. (بختیاری، ۱۴۰۳: ۲۸۲) وجود شرکت تعاونی باعث می شد که استادان و صنعت کاران به صورت اشتراکی و با حفظ منافع جمعی به کار خود مشغول باشند؛ امری که در ۱۳۵۰ ش صنعت کاران منبت گلپایگان را به دورهم جمع کرد تا شرکت تعاونی تشکیل دهند: «شرکت تعاونی منبت کاران گلپایگان در آذر ۱۳۵۰ با خرید ۱۰ سهم ۵۰۰ ریالی از طرف ۱۰ نفر از صنعتگران تشکیل شد. این شرکت تعاونی برخلاف دیگر شرکت های تعاونی استان، اقدامی برای بهبود وضعیت کار و معیشت صنعتگران منبت کار و تأمین منافع اعضا انجام نداد. با اینکه بیشتر منبت کاران عضو این شرکت بودند، هر یک از طریق واسطه مواد اولیه مورد نیاز خود را تهیه می کردند و شرکت تعاونی دخالتی در تهیه و توزیع مواد اولیه نداشت.» (ساکما، ۹۷/۲۹۳/۲۴۰۰)

در ۱۳۳۴ ش، اداره کل هنرهای زیبای کشور که اداره ای زیر نظر وزارت فرهنگ بود، طی پایشی که انجام داد از تمامی شهرستان ها درخواست نمود هنرها و صنایع دستی خود را معرفی و ظرفیت های منطقه را از این نظر اعلام کنند. در ۱۳۳۴/۱۲/۲۶ پناهی، رئیس فرهنگ گلپایگان در پاسخ درخواست مذکور نوشت: «عطف به شماره ۹۴۴۴ = ۳۴/۱۲/۱۵ در این شهرستان منحصرأ از سال های پیش صنعت منبت کاری رواج داشته و استادان فن نیز نمونه های بدیع و جالبی تهیه نموده اند. لیکن در سنوات اخیر توجه کاملی به این صنعت نشده، فعلاً هم مصنوعات از قبیل سینی آجیل خوری و تخته نرد ساخته می شود. در صورت لزوم دستور فرمایید از هر کدام مورد احتیاج است وجه آن حواله، خریداری و ارسال گردد.» (ساکما، ۲۶۴/۲۷۶۸۲) این سند نشان می دهد که منبت گلپایگان در این زمان بیشتر بر روی ابزاری مانند سینی آجیل خوری و تخته نرد به کار می رفته است.

درباره هنر منبت کاری گلپایگان، در حدود عصر مشروطه، زمانی که جواهرشناس فرانسوی، هانری رنه دالمانی، به این شهر آمد، چنین بیان داشت: «در گلپایگان جعبه های منبت کاری زرد رنگی با چوب می سازند که دارای نقوش برجسته ای

هستند و جنگ حیوانات سبع و یا شیر با گوزنی که شکار کرده و مشغول خوردن آن است، نمایش داده می شود.» (دالمانی، ۱۳۳۵: ۳۷۳) این سابقه از درخشش هنر منبت گلپایگان باعث شد در تاریخ ۱۳۳۵/۱/۱۵ از طرف اداره کل هنرهای زیبای کشور از رئیس فرهنگ گلپایگان درخواست شود، نمونه ای از کار منبت گلپایگان را به تهران ارسال نماید «عطف به نامه شماره ۱۷۴۵۶ مورخ ۱۳۳۴/۱۲/۲۶ خواهشمند است دستور فرمایید نمونه کوچکی از کار روی چوب (منبت) ارسال نمایند.» (ساکما، ۲۶۴/۲۷۶۸۲) هنر منبت گلپایگان همچنان در حال طی کردن مسیر ترقی است. اگرچه بازار و نشان منبت را از دست داده است، مثلاً در ۱۳۹۱ ش شهر ملایر به عنوان مرکز منبت ایران شناخته شد.^۱ (سایت سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی ایران، آخرین بروز رسانی ۱۴۰۳/۵/۲۵)

خاتم سازی گلپایگان

خاتم از هنرهای دستی دقیق و پرکار است که تولید و ساخت آن احتیاج به دقت و حوصله زیاد دارد. خاتم ترکیبی است از چند ضلعی های منظم با تعداد اضلاع متفاوت که با استفاده از مواد اولیه گوناگون در رنگ های مختلف تشکیل می شود. پنج، شش، هفت، هشت یا ده ضلعی است. با کنار هم قرار دادن این چند ضلعی ها و برش و سایش آن ها، ترکیب های زیبایی تولید می شود که این ورقه های خاتم را در اطراف اشیا گوناگون مانند جعبه و حتی میز می توان کار کرد. شهرهای زیادی در ایران از جمله شیراز و اصفهان مدعی سرآمدی خاتم در ایران هستند، اما برای این که بدانیم وضعیت این صنعت در گلپایگان چگونه بود، باید بگوییم بر اساس اسناد در ۱۳۵۱ ش پایش دیگری صورت گرفت که بر اساس آن «در گلپایگان چهار کارگاه خانگی به کار خاتم سازی اشتغال داشتند. متوسط سن افراد شاغل در آن کارگاه ها ۴۵ سال بود و تنها یک نفر در آن ها در حد خواندن و نوشتن سواد داشت و بقیه بی سواد بودند. آن ها ۱۱ ساعت در روز کار می کردند و متوسط درآمد روزانه هر خاتم ساز ۳۰۰ ریال بود. مواد اولیه مصرفی این خاتم سازان از شیراز، اصفهان و تهران خریداری می شد. با این تفاوت که قیمت مواد اولیه مصرفی خاتم سازان گلپایگان به دلیل خرید از واسطه ها دو برابر خاتم سازان اصفهانی بود [...] حدود ۷۰ درصد فراورده های تولیدی خاتم سازان گلپایگان، توسط فروشگاه مرکز صنایع دستی خریداری و بقیه به تهران و اصفهان و شیراز ارسال می شد.» (ساکما، ۲۶۴/۲۷۶۸۲)

گاهی اوقات اسناد نکاتی دارند که می توان با تحلیل آن ها به داده ها و حقایق دست یافت. در ۱۳۵۴ ش سیروس خدایار، سرپرست اداره صنایع دستی استان اصفهان، به اکبرزاد، استاندار اصفهان، نامه ای نوشت و ضمن بیان حقایق درباره وضعیت صنعت منبت کاری و خاتم سازی شهر گلپایگان و توضیح این که صنایع در حال نابودی هستند، از استاندار درخواست نمود برای تخصیص اعتبار جهت احداث یک مجتمع آموزش در گلپایگان با سازمان برنامه و بودجه مکاتبه کند. او ایجاد این مجتمع آموزشی-نمایشگاهی را برای احیای صنایع مذکور در گلپایگان ضروری می دانست. او در تاریخ ۱۳۵۴/۹/۲۹ به استاندار اصفهان نوشت: «محترماً بدین وسیله به استحضار می رساند صنایع دستی موجود در گلپایگان که شامل منبت کاری و خاتم سازی است، به علت نبود امکانات و محدود بودن افراد صنعتگر و بالأخص نداشتن محلی مناسب جهت آموزش، به تدریج از بین می رود و برای جلوگیری از نابودی صنعت مذکور در گلپایگان، این سازمان طرحی تحت عنوان احداث کارگاه و نمایشگاه مجتمع آموزش گلپایگان تهیه و در اختیار دفتر برنامه و بودجه قرار داد و قرار بر این بود در سال ۵۵ اعتباری جهت اجرای طرح فوق الذکر تخصیص یابد که متأسفانه طرح مجتمع گلپایگان به علت عدم تخصیص اعتبار از طرح های خاص ناحیه ای حذف گردید و صنعتگران گلپایگان عریضه ای به دفتر مخصوص شاهنشاهی ارسال داشتند که به پیوست فتوکپی نامه نماینده وزارت صنایع و معادن دفتر نخست وزیری و نیز فتوکپی نامه ریاست سازمان صنایع دستی جهت استحضار تقدیم می گردد و به عرض می رساند اجرای طرح فوق الذکر اهمیت

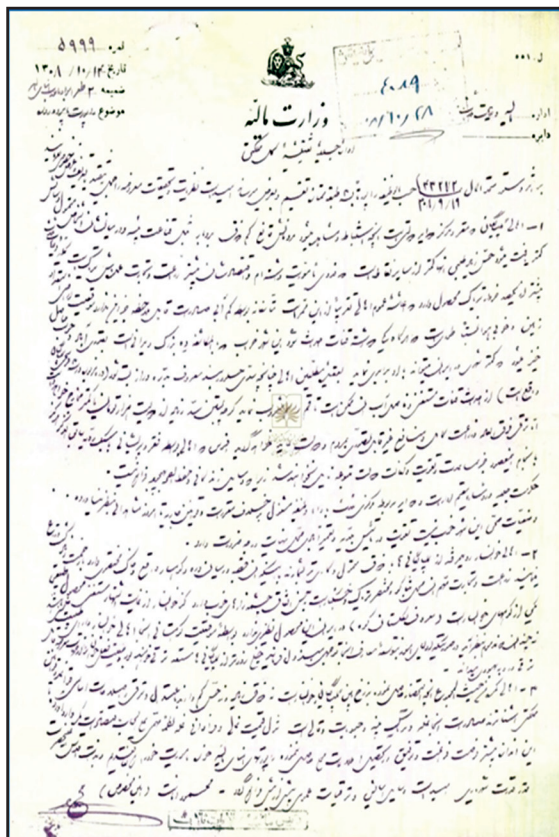
۱. درباره ویژگی های فنی منبت کاری گلپایگان و امتیاز آن بر مراکز دیگر منبت کاری در ایران، ر.ک: (شیخی، ۱۳۸۷: ۶۸-۸۱).

بسیار زیادی دارد. خواهشمند است دستور فرمایید برای اجرای طرح مجتمع صنایع دستی که طرح آن به پیوست تقدیم می‌گردد، اعتبار تخصیص داده شود تا بتوان در سال ۵۵ به مرحله اجرا گذارد. [هامش دستخط استاندار برنامه و بودجه رسیدگی شود ۱۳۵۴/۹/۲۲]. آیا در آن زمان چنین تشکیلاتی برای صنایع دستی گلپایگان احداث گردید یا خیر؟ به درستی نمی‌دانیم، اما می‌توان تصور کرد وقوع انقلاب اسلامی مانع از اجرای چنین امری شده باشد.

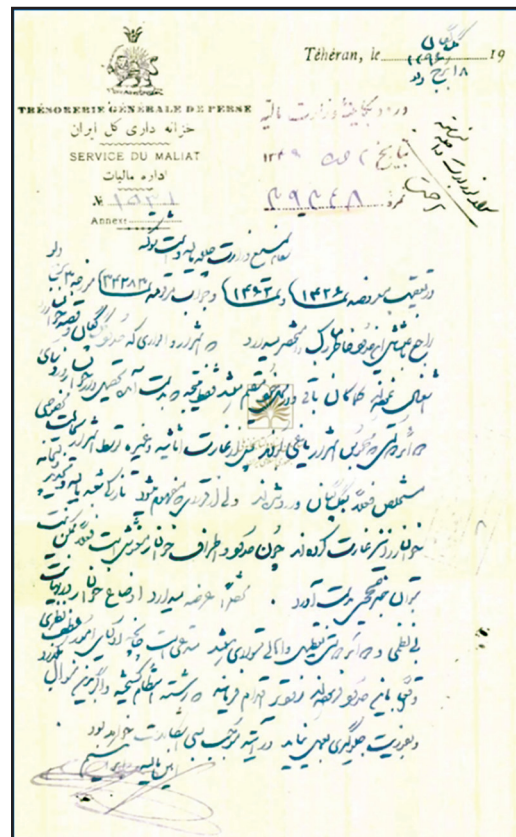
صنعت فرش در گلپایگان

فرش بافی یکی از صنایع و هنرهای نامدار ایران است. وجود گوسفندانی که پشم مناسبی برای فرش بافی دارند، موجب شده بود همواره ایرانیان این صنعت را از آن خود بدانند، به طوری که «در دوره پهلوی این صنعت ملی، دومین کالای صادراتی کشور بود. در دهه چهل آلمان، سوئیس، انگلستان، آمریکا، کویت و لبنان به ترتیب بیشترین خریداران فرش ایران بودند.» (بختیاری، ۱۴۰۳: ۶۶) در گلپایگان نیز به دلیل وجود مراتع سرسبز و همچنین ارتباط با ایلات و عشایری که بزرگ‌ترین منبع دامی کشور محسوب می‌شوند، صنعت فرش رشد چشمگیری داشت، به طوری که فرش گلپایگان هم‌اکنون نیز دارای وجهه خاصی در این بازار است. اسناد برجای مانده نشان می‌دهد شهر گلپایگان بافاصله زیادی از شهر اصفهان، بیشترین کارگاه‌های فرش بافی را دارا بوده است. بر اساس پایشی که در ۱۳۲۸ش صورت گرفت: «در این سال از استان اصفهان تنها پنج شهر اصفهان، کاشان، نجف‌آباد، شهرضا و گلپایگان سرشماری شده بودند. پس از کاشان با بیشترین تعداد کارگاه، گلپایگان ۱۱۰۶، اصفهان ۷۳۷، شهرضا ۵۷۵ و نجف‌آباد ۴۱۹ کارگاه داشتند.» (ساکما، ۹۷/۲۹۳/۱۵۶۸۰)

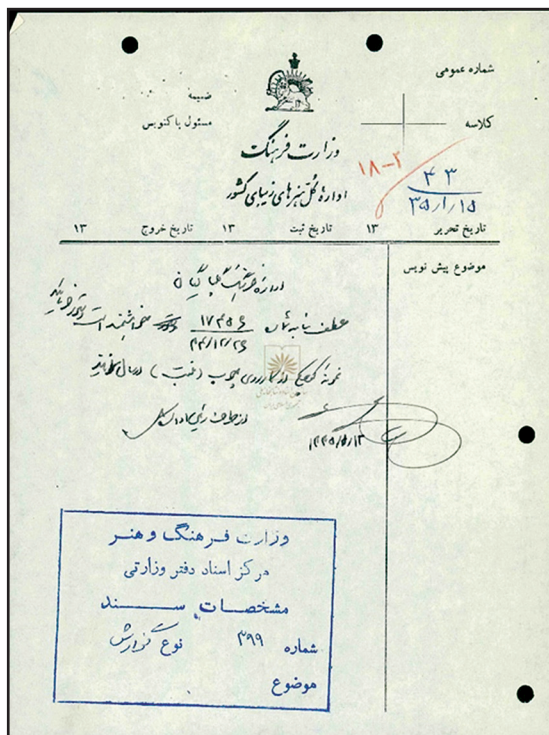
نظام‌الدین طاه‌ها، استاندار اصفهان، پس از بازدیدی که از کارگاه‌های فرش بافی گلپایگان داشت، در تاریخ ۱۳۴۸/۳/۲۵ به ذهبی، مدیرعامل شرکت فرش ایران، نوشت: «در بازدید اخیری که از شهرستان‌های گلپایگان و نطنز به عمل آمد، مشاهده گردید که باوجود کثرت دستگاه‌های قالی بافی، نه تنها صنعت فرش در شهرستان‌های مزبور از لحاظ هنری و فنی پیشرفت لازم را ندارد، بلکه کارگران آن نیز به نحو نامطلوبی به کار خود مشغول می‌باشند. لذا خواهشمند است دستور فرمایید که با تأسیس شعبه در آن شهرستان اقدامات اساسی و سریعی برای بهبود وضع صنعتی و کارگری فرش آنجا معمول و نتیجه را اعلام نمایند.» (ساکما، ۹۷/۲۹۳/۱۴۹۳۷) استاندار قصد داشت با تأسیس شعبه شرکت فرش ایران در شهر گلپایگان، کیفیت صنعت مزبور را در این شهر ارتقا دهد. شرکت فرش در پاسخ به درخواست استاندار اصفهان پذیرفت که شعبه‌ای را در شهر گلپایگان ایجاد کرده و آن را زیر نظر شعبه اراک این شرکت قرار دهد. این شرکت اضافه کرد: «هم‌اکنون در گلپایگان و نطنز دستگاه‌هایی دایر گردیده و مشغول کار می‌باشند و برای افزایش تعداد دستگاه‌ها و گسترش فعالیت‌های تولیدی در مناطق مزبور تأکیدات لازم به عمل آمده است. و ضمناً به شعبه اصفهان دستور داده شد فعالیت بیشتری در توسعه قالی بافی در شهر اصفهان و حومه آن به عمل آورند.» (ساکما، ۹۷/۲۹۳/۱۴۹۳۷) فرش گلپایگان هم‌اکنون یکی از نشان‌های مطرح در ایران است.



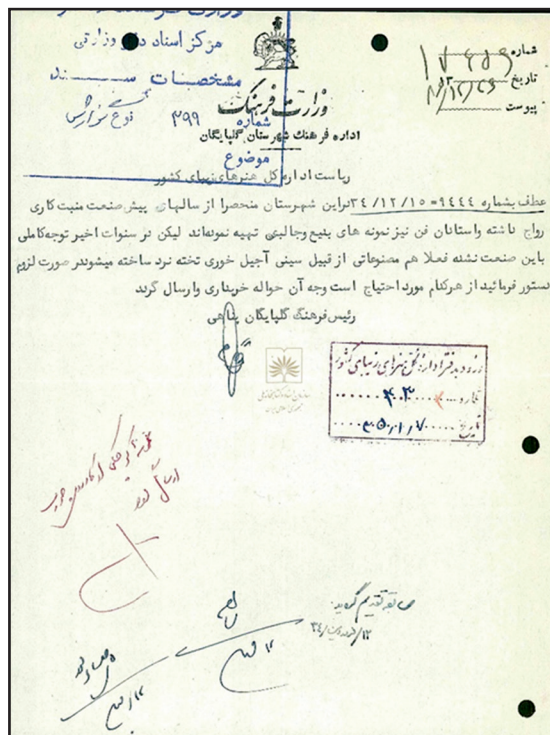
تصویر ۲: گزارش رئیس مالیه ولایت ثلاث به وزارت مالیه
درباره اوضاع گلیایگان، خوانسار و کمره در ۱۳۰۸ ش
(ساکما، ۲۴۰/۱۷۰۶۳)



تصویر ۱: گزارش امین مالیه گلیایگان به وزیر مالیه درباره
اغتشاش آن حدود در ۱۲۹۶ ش (ساکما، ۲۴۰/۱۳۴۰)



تصویر ۴: درخواست نمونه کار مثبت گلپایگان توسط اداره کل هنرهای زیبای کشور ۱۳۳۵ش (ساکما، ۲۶۴/۲۷۶۸۲)



تصویر ۳: پاسخ رئیس فرهنگ گلپایگان به رئیس اداره هنرهای زیبای کشور درباره صنایع دستی گلپایگان ۱۳۳۵ش (ساکما، ۲۶۴/۲۷۶۸۲)

نتیجه

پس از مرور مختصر تاریخ معاصر گلپایگان که بیشتر تلاش شد بر اساس اسناد باشد و فراز و فرود شهر را در دوره معاصر نشان دهد، به سراغ اوضاع صنایع دستی شهر گلپایگان رفته و نشان داده شد که در این شهر به دلیل موقعیت جغرافیایی و طبیعی سه صنعت مثبت کاری، خاتم سازی و فرش بافی سرآمد شده‌اند. مراجعه به اسناد برجای مانده نشان داد سه صنعت مذکور در شهر گلپایگان توانستند در دوره پهلوی مراحل رشد خود را طی کرده و تغییراتی در بازار رقابت ملی و بین‌المللی ایجاد نمایند. همچنین گفته شد سیاست‌های دولتی از جمله برپایی نمایشگاه‌های مختلف، تأسیس آموزشگاه، اجرای طرح بهبود و توسعه تولید محصولات نازک‌کاری گلپایگان و همچنین تشکیل شرکت تعاونی و شرکت فرش برای حمایت از صنایع دستی توانست تا حدودی صنعت و هنر گلپایگان را گسترش داده و هنرمندان این صنعت را به سود اقتصادی برساند. مجری یا بازیگر اصلی این سیاست‌ها نیز اغلب اداره صنایع دستی استان بود. در نتیجه این روند، سه صنعت مثبت کاری، خاتم سازی و فرش بافی در شهر گلپایگان در دوره پهلوی روند صعودی خود را طی نمود.

- اوبن، اوژن. (۱۳۶۲). *ایران امروز*. ترجمه علی اصغر سعیدی. تهران: زوار.
- بختیاری، سمیه. (۱۴۰۳). *صنایع دستی استان اصفهان به روایت اسناد (۱۳۵۷-۱۲۵۰)*. اصفهان: سازمان فرهنگی، ورزشی، اجتماعی شهرداری اصفهان.
- بروگش، هانریش. (۱۳۶۷). *سفری به دربار سلطان صاحبقران*. ترجمه کردبچه. تهران: اطلاعات.
- چریکف. (۱۳۵۸). *سیاحتنامه مسیو چریکف*. ترجمه آبکار مسیحی. به کوشش علی اصغر عمران. تهران: جیبی.
- دالمانی، هانری رنه. (۱۳۳۵). *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*. ترجمه فره‌وشی. تهران: امیرکبیر.
- رنجبر، میلاد. (۱۴۰۱). *تاریخ سیاسی و اجتماعی گلپایگان*. گلپایگان: ارشدان.
- سرمدی، عباس. (۱۳۷۱). «منبت هنری از یاد رفته». هنر. (شماره ۲۲)، ۲۹-۴۲.
- شیخی، علیرضا. (۱۳۸۷). «بررسی سبک‌های منبت‌کاری معاصر در مناطق شاخص ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه هنر.
- شیل، مری. (۱۳۶۲). *خاطرات لیدی شیل*. ترجمه حسین ابوترابی‌ان. تهران: نشر نو.
- فریدی مجید، فاطمه. (۱۳۸۸). *سرگذشت تقسیمات کشوری ایران (از ۱۲۸۵ تا ۱۳۸۵ ش)*. تهران: بنیاد ایران‌شناسی.
- فلور، ویلم. (۱۳۹۳). *صنایع کهن در دوره قاجار*. ترجمه علیرضا بهارلو. تهران: پیکره.
- کثیری، مسعود؛ اختری، علی اکبر. (۱۳۹۰). *گلپایگان و نهضت مشروطیت*. اصفهان: کنکاش.
- وولف، هانس. (۱۳۷۲). *صنایع دستی کهن ایران*. ترجمه سیروس ابراهیم‌زاده. تهران: آموزش انقلاب اسلامی.

اسناد

ساکما (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران)؛ ۲۴۰/۱۷۰۶۳، ۲۶۴/۲۷۶۸۲، ۲۴۰/۱۳۴۰، ۹۷/۲۹۳/۱۴۹۳۷، ۹۷/۲۹۳/۱۵۶۸۰، ۲۹۳/۸۰۸۶۹، ۹۷/۲۹۳/۲۴۰۰، ۲۶۴/۲۷۶۸۲

References

- Aubin, Eugène. (1983). *Modern Iran*. Translated by Ali-Asghar Saeedi. Tehran: Zavvar.
- Bakhtiari, Somayeh. (2024). *Handicrafts of Isfahan Province as Narrated by Documents (1250–1357 SH)*. Isfahan: Cultural, Sports, and Social Organization of Isfahan Municipality.
- Brugsch, Heinrich. (1988). *A Journey to the Court of the Sultan, the Lord of the Auspicious Conjunction*. Translated by Kordbacheh. Tehran: Ettela'at.
- Cherikoff. (1979). *The Travelogue of Monsieur Cherikoff*. Translated by Abkar Masihi. Edited by Ali-Asghar Omran. Tehran: Jeybi.
- D'Allemagne, Henri-René. (1956). *Travelogue from Khorasan to Bakhtiari*. Translated by Farahvashi. Tehran: Amir Kabir.
- Faridi Majid, Fatemeh. (2009). *The History of Iran's Administrative Divisions (from 1285 to 1385 SH)*. Tehran: Foundation for Iranian Studies.
- Floor, Willem. (2014). *Traditional Industries in the Qajar Period*. Translated by Alireza Baharloo. Tehran: Peykareh.
- Kathiri, Masoud, and Ali-Akbar Akhtari. (2011). *Golpayegan and the Constitutional Movement*. Isfahan: Konkash.

- Ranjbar, Milad. (2022). The Political and Social History of Golpayegan. Golpayegan: Arshadan.
- Sarmadi, Abbas. (1992). "Artistic Woodcarving: A Forgotten Art." Honar, no. 22, pp. 29–42.
- Sheikhi, Alireza. (2008). "A Study of Contemporary Woodcarving Styles in Prominent Regions of Iran." Master's thesis. Tehran: Art University.
- Shiel, Mary. (1983). The Memoirs of Lady Sheil. Translated by Hossein Abutorabian. Tehran: Nashr-e Now.
- Wolff, Hans. (1993). Traditional Handicrafts of Iran. Translated by Cyrus Ebrahimzadeh. Tehran: Islamic Revolution Education.

Documents

- Sakma (National Archives and Library of Iran): 17063/240, 27682/264, 1340/240, 14937/293/97, 15680/293/97, 27682/264, 2400/293/97, 80869/293